



الگوی حل و فصل مطالبات غیر جاری نظام بانکی ایران با استفاده از تجربه سایر کشورها

هادی رحمانی فضلی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۲

چکیده

این مطالعه از یک سو به دنبال شناسایی عوامل و فاکتور موثر در ایجاد و گسترش مطالبات معوق در نظام بانکی ایران است و از سوی دیگر در پی ارائه راهکارها و روش های مبتنی بر تجربه سایر کشورها برای حل و فصل این مطالبات است. در این راستا مدل پیشنهادی مستخرج از مقایسه تجربه سایر کشورها در چهارچوب روش تصمیم گیری چندمعیاره مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج ارزیابی مدل پیشنهادی بر اساس تجربه سایر کشورها و با استفاده از رویکرد تحلیل سلسله مراتبی نشان می دهد به طور کلی سه دسته عوامل بیرونی، درونی و مختلط در ایجاد و گسترش مطالبات غیر جاری در نظام بانکی ایران موثر هستند. در میان این عوامل، کیفیت پایین دارایی های بانکی، خلا در قوانین پولی و بانکی و تحریم های بین المللی بیشترین تاثیر را بر اساس نظرسنجی صورت گرفته از کارشناسان دارند. بر اساس نتایج این مطالعه، تاسیس شرکت مدیریت دارایی، راه اندازی واحد تسویه توافقی خارج از دادگاه در بانک ها، تسویه مطالبات از طریق مراجع قضایی، تاسیس بانک بد برای خرید مطالبات غیر جاری از بانک ها و پاکسازی ترازنامه ای مهم ترین راهکارهای حل و فصل مطالبات غیر جاری در نظام بانکی ایران هستند.

واژه های کلیدی: دارایی های منجمد، شرکت مدیریت دارایی، پاکسازی ترازنامه، بانک بد، تجدید ساختار خارج از دادگاه.

طبقه بندی JEL: G21، G29، G34

۱ گروه اقتصاد سیاسی و سیاست گذاری عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول).
hadirahmani@atu.ac.ir

۱- مقدمه

یکی از مهمترین چالش‌های پیشروی نظام بانکی کشور، افزایش مستمر و فزاینده مطالبات معوق است. آمارهای رسمی منتشره نیز نشان‌دهنده سیر صعودی مطالبات غیرجاری در شبکه بانکی کشور و به ویژه در بانک‌های دولتی است. آمارهای رسمی نشان می‌دهد که نسبت تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات (به درصد) طی دوره هفت ساله ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱، از ۱۱.۳ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۱۴.۷ درصد در سال ۱۳۹۱ افزایش یافته است. از طرفی دیگر، نسبت تسهیلات سررسید گذشته به کل تسهیلات اعطایی طی دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ به طور متوسط ۳.۲ درصد بوده است. این عدد برای مطالبات معوق برابر با ۴.۵ است و برای مطالبات مشکوک الوصول برابر با ۵.۸ درصد است. نکته شایان تامل این است که نسبت مطالبات مشکوک الوصول به کل تسهیلات اعطایی شبکه بانکی از ۲.۹ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۸.۸ درصد در سال ۱۳۹۱ افزایش پیدا کرده است که بیشترین میزان رشد در میان سه دسته از مصادیق مطالبات غیرجاری است (محرابی، ۱۳۹۳، ص. ۴). در سال ۱۳۹۰، میزان مطالبات غیرجاری معادل ۵۷۶ هزار میلیارد ریال بوده و با رشد حدود ۷۰ هزار میلیارد ریالی در ۱۳۹۱ بالغ بر ۶۴۶/۲ هزار میلیارد ریال شده است. همچنین رشد فوق در سال ۱۳۹۳ نزدیک به سه برابر شده و میزان مطالبات غیرجاری به رقمی نزدیک به ۸۵۸/۹ هزار میلیارد ریال رسیده است. از مهمترین دلایل پیدایش این مطالبات، برنامه‌ریزی دولت برای پرداخت تسهیلات ارزان قیمت به طرح‌های زودبازده برای تسریع در تولید و ایجاد اشتغال است که در نهایت به رانت‌خواری، رشد نقدینگی، تورم، ورشکستگی، بیکاری و در نهایت به رکود انجامیده است. این امر نشان‌دهنده افزایش ریسک اعتباری، وخامت ترازنامه‌ای بانکی و عملکرد ضعیف نظام بانکی در مدیریت ریسک است. معوق شدن مطالبات منجر به افزایش در هزینه‌ها، بلوکه شدن قسمتی از منابع بانک، کاهش دفعات گردش مطالبات، افزایش دوره وصول مطالبات، عدم امکان برنامه ریزی دقیق و موثر، افزایش ریسک اعتباری و ایجاد اختلال در گردش وجوه نقد و در نهایت سبب کاهش رتبه بانک در رتبه بندی اعتباری داخلی و بین المللی می‌شود (محمدزاده و همکاران، ۱۳۹۳).

مطالعاتی که تاکنون در زمینه شناسایی عوامل موثر بر مطالبات معوق بانک‌ها و ارائه راهکارها و روش‌های برون رفت از این چالش در داخل کشور صورت گرفته اند عموماً ساختاری تحلیلی، توصیفی داشته و مباحث کلی در زمینه این موضوع ارائه داده‌اند و راهکارهایی تکراری و گاهی غیر عملیاتی در این زمینه ارائه داده‌اند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۶). در این مطالعه سعی می‌شود تا یک دسته بندی دقیق و گسترده‌تر از مجموعه عوامل و فاکتورهای تاثیرگذار و به وجود آورنده مطالبات معوق بانک‌ها در اقتصاد ایران ارائه شود و به موازات این عوامل و فاکتورها، نقشه راه و برنامه اجرایی پیشنهاد شود و راهکارها و روش‌هایی متناسب با شرایط کشور که کاربردی باشد و قابلیت عملیاتی شدن داشته باشد، پیشنهاد داده شود. سعی می‌شود روش‌هایی مبتنی بر رویکرد توصیه به شبکه بانکی تا روش‌های مبتنی بر اصلاح قوانین بانکی و پولی و مالی مدنظر قرار گیرد. مهم‌ترین وجه تمایز این مطالعه به عنوان سهم پژوهشگر و اهداف پژوهش، شناسایی عوامل و فاکتورهای مؤثر در شکل‌گیری مطالبات معوق بر اساس جمع بندی تاریخی مطالعات پیشین، نظرسنجی از نخبگان در قالب ابزارهای مصاحبه و پرسشنامه و دسته بندی نتایج و در نهایت ارائه راهکارهای مناسب و عملیاتی در راستای عوامل شناسایی شده و در چهارچوب

نقشه راه عملیاتی و برنامه اجرایی است. در واقع، نقشه راه و برنامه اجرایی عمده ویژگی این مطالعه است که آن را از مطالعات پیشین صورت گرفته در این حوزه متمایز می‌کند. در این نقشه راه، مجموعه‌ای از اقدامات و برنامه‌های عملیاتی در طی زمان و به صورت مرحله‌ای در راستای کاهش حجم مطالبات معوق ارائه می‌شود.

مهم ترین سوالاتی که این تحقیق پاسخ خواهد داد بر اساس اهداف عبارت انداز:

- ۱) چه عوامل و فاکتورهایی بر ایجاد و گسترش حجم مطالبات معوق شبکه بانکی کشور تاثیرگذارند؟
- ۲) عوامل و فاکتورهای موثر بر ایجاد و گسترش حجم مطالبات معوق بانکی به چه صورت قابل رده بندی هستند؟
- ۳) چه راهکارها و روش هایی را در راستای کاهش حجم مطالبات معوق بانکی در اقتصاد ایران می تواند ارائه داد؟
- ۴) در ارائه راهکارها و راه حل ها برای کاهش حجم مطالبات معوق بانکی در ایران، چه اولویت بندی از این راهکارها قابل تصور است؟
- ۵) چه نقشه راه و برنامه عملیاتی برای کاهش حجم مطالبات معوق بانکی در اقتصاد ایران بر اساس نتایج تحقیق قابل طراحی و ارائه شدن است؟

ساختار این مطالعه به شیوه ای است که در بخش دوم نتایج مطالعه حاصل از شناسایی عوامل و فاکتورهای موثر در ایجاد و گسترش مطالبات غیرجاری، راهکارهای حل و فصل این دسته از مطالبات بر اساس تجربه کشورهای دیگر، الگو و نقشه راه پیشنهادی مطالعه جهت حل و فصل مطالبات غیرجاری ارائه می شود و در بخش سوم به بحث و ارزیابی مدل و جمع بندی نتایج تحقیق پرداخته می شود .

۲ مبانی نظری

در این قسمت از یک سو به مرور پایه های نظری در ارتباط با ریشه های پیدایش و گسترش مطالبات معوق بانکی و همچنین پیامدهای گسترش این مطالبات اختصاص داشته و از سوی دیگر به مهمترین رویکردهای حل و فصل این دسته از دارایی های غیرجاری در نظام بانکی که در کشورهای مختلف دنیا طی فروپاشی های مالی و بانکی مورد استفاده قرار گرفته، پرداخته خواهد شد.

۲-۲ ریشه های پیدایش مطالبات غیرجاری در سیستم بانکی

در یک نگرش کلی، ریشه ها و عوامل موثر در شکل گیری و گسترش مطالبات غیرجاری در سیستم بانکی به دو دسته عوامل بیرونی و درونی تقسیم بندی می شود. (محراییان و سیفی پور، ۱۳۹۵)

• نقش عوامل درونی سیستم بانکی بر مطالبات غیرجاری

بخشی از عوامل موثر بر مطالبات معوق تحت عنوان عوامل درونی نقش بسزایی در شکل گیری این دیون ایفا می کنند. در این زمینه به عامل های مختلفی در ادبیات نظری اشاره شده است که از جمله مهمترین آنها نوع ساختار بازاری صنعت بانکی است. در این زمینه الن و گال (۲۰۰۰) اعتقاد دارند که یک ساختار بانکی با تمرکز کمتر و

تعداد بیشتر بانک‌ها از استعداد بیشتری برای ابتلا به بحران‌های مالی و نکول در مطالبات دارد. در چهارچوب این نظریه، صنعت بانکداری متمرکزتر سبب افزایش قدرت بازاری بانک‌ها می‌شود و سودآوری آنها را افزایش می‌دهد. سودآوری بیشتر انگیزه بانک‌ها را برای انجام فعالیت‌های پرریسک‌تر کاهش می‌دهد و این امر کاهش مطالبات معوق را به دنبال خواهد داشت. رویکرد مخالف در این زمینه بر این اعتقاد است که تمرکز بیشتر به شکنندگی نظام بانکی منجر می‌شود. بوید و گیانی (۲۰۰۵)، در یک تحلیل نظری نشان می‌دهند که تمرکز بیشتر صنعت و قدرت بازاری بیشتر بانک‌ها سبب افزایش مطالبه نرخ سود بیشتر است که این موجب می‌شود تا مطالبات معوق بانک‌ها بیشتر شود. زیرا بنگاه‌های وام‌گیرنده به سمت فعالیت‌های ریسکی‌تر می‌روند و ریسک اعتباری افزایش می‌یابد.

بر اساس دیدگاه‌های نظری، یکی دیگر از عوامل درونی موثر بر عملکرد بانک‌ها، نوع ساختار مالکیت است. تئوری مشهور کووز بیان‌کننده این است که هرگاه هزینه مبادله در اقتصاد صفر باشد، ساختار مالکیت، کارایی اقتصادی را تحت تاثیر قرار نخواهد داد. ولی در دنیای واقعی، هزینه مبادله صفر نیست. لذا تغییر در ساختار مالکیت سبب تفاوت در عملکرد می‌شود. خصوصی‌سازی به بانک‌ها می‌تواند کمک نماید تا در برابر اعمال نفوذ‌های سیاسی و فشارهای اداری مقاومت کند و بنابراین وام‌های سیاست‌گرایی بانک کاهش یابد (استیگلیتز، ۱۹۹۸). بر اساس دیدگاه‌های نظری، نوع مالکیت بر عملکرد بانک‌ها تاثیر متفاوت دارد. مالکیت دولتی به عنوان یک عامل موثر بر ناکارایی و عملکرد ضعیف بنگاه‌ها تلقی می‌گردد. فقدان انگیزه کافی برای بهبود عملکرد در بنگاه‌های دولتی مهمترین علت این امر است. از طرفی دیگر، بنگاه‌های دولتی از مزایای مهمی مانند حمایت دولت و امتیاز و دسترسی به منابع مالی برخوردارند که این امر موجب بهبود عملکرد بنگاه‌ها می‌شود. از سوی دیگر، در اقتصادهایی که فساد و رانت جویی به عنوان یک چالش جدی است، موسسات مالی خصوصی در تملک گروه‌های سیاسی خاص است و پولشویی به عنوان یک مساله شایع در بانک‌ها مطرح خواهد بود. لذا بانک‌های خصوصی برای رسیدن به منافع اقتصادی به راه‌های غیر قانونی متوسل می‌شوند. بنابراین بانک‌های خصوصی ممکن است قادر به کاهش نسبت مطالبات معوق نباشند.

از دیگر دسته عوامل موثر بر مطالبات معوق بانکی، فاکتورهایی هستند که به خصوصیات بانک‌ها مرتبط هستند. اطلاعات نامتقارن و فرضیه مخاطره اخلاقی در قالب نظریه مسأله نمایندگی است. بانک‌هایی که سرمایه محدود دارند از مطالبات معوق بیشتری برخوردارند. سرمایه محدودتر بانک‌ها سبب نگرانی کمتر آنها ر ورشکستگی می‌شود و بنابراین بروز مخاطرات اخلاقی می‌شود. در چنین شرایطی سهم وام‌های ریسکی در ترکیب سید وام‌های بانکی افزایش پیدا می‌کند. یکی دیگر از مخاطره‌های اخلاقی، تضاد منافع در عملیات بانکداری است. زمانی که یک بانک به بنگاه‌ها وام‌هایی با شرایط آسان پرداخت می‌نماید و در مقابل از خدماتی نظیر تعهد فروش اوراق بهادار مربوط به بنگاه برخوردار گردد، تضاد منافع در عملیات بانکی رخ می‌دهد و اعتبارات به صورت ناکارا تخصیص یافته و ریسک اعتباری بانک‌ها افزایش پیدا می‌کند.

• نقش عوامل بیرونی بر مطالبات غیرجاری

در زمینه عوامل بیرونی موثر بر مطالبات معوق، بر مدل های سیکل تجاری تاکید می شود. این مدل ها بر نقش عملکرد واسطه گری مالی در ثبات تجاری تاکید می نمایند و زمینه مناسب برای مدل سازی عوامل تعیین کننده مطالبات معوق فراهم می نمایند.

مطالبات معوق بانک ها رفتار سیکلی دارند و در دوران رونق کاهش و در دوران رکود افزایش می یابد. در دوران رونق تولید ملی افزایش می یابد و خانوار و بنگاه توان کافی برای تامین جریان بازپرداخت دیون و تعهدات خود خواهند داشت. در چنین شرایطی حجم مطالبات معوق کاهش پیدا می کند. اما همانگونه که کافمن اشاره کرده است با تداوم شرایط رونق اقتصادی، بانک ها به سبب برخورداری از شرایط مناسب ترازنامه ای، خوش بینی نسبت به آینده و همچنین فشار رقابت بین بانکی، استانداردهای پرداخت اعتبار را سهل می گیرند و به سمت پرداخت اعتبارات به وام گیرندگان با کیفیت کمتر می روند. اما زمانی که رکود شروع می شود حجم اعتبارات معوق به سرعت افزایش می یابد. ناتوانی وام گیرندگان در بازپرداخت دیون در شرایط رکودی ناشی از کاهش ارزش وثیقه های وام گیرندگان در سیستم بانکی است. (اسماعیلی، ۱۳۹۷)

یکی دیگر از مهم ترین نظریه های موجود در تبیین نقش عوامل اقتصاد کلان بر مطالبات معوق، شتاب دهنده مالی است. نظریه شتاب دهنده مالی بر نقش متقابل وخامت بازارهای مالی و بازارهای واقعی بر یکدیگر بحث می نماید. بر اساس این نظریه، رکود اقتصادی منجر به افزایش حجم وام های معوق می شود و افزایش حجم مطالبات معوق منجر به ورشکستگی نهادهای مالی شده و به دنبال آن بازارهای مالی سقوط می نمایند. سقوط بازارهای مالی منجر به افزایش ریسک نکول در بازپرداخت وام و تسهیلات شده و به دنبال آن مطالبات معوق با سرعت فزاینده گسترش پیدا می کند و رکود اقتصادی و ورشکستگی بانک ها گسترش می یابد.

بر اساس نظریه های جدید در اقتصاد کلان مالی، دلایلی وجود دارد که طبق آنها، اطلاعات نامتقارن در انگیزه وام دهندگان و وام گیرندگان برای انجام معامله ایجاد مانع می نمایند و به طرق مختلف ریسک نکول را افزایش می دهند. مخاطره اخلاقی، انتخاب بد و نظارت پر هزینه مهم ترین دلایلی هستند که در این زمینه به آنها اشاره شده است و در ادامه تشریح خواهند شد.

الف) مخاطره اخلاقی

پایه های نظری کاتال اعتبار در زمینه جیره بندی اعتباری با این مفهوم ساخته شده است. در این زمینه، استیگلیتز و وایس (۱۹۸۱) با استفاده از بحث مخاطره اخلاقی استدلال می نمایند که افزایش در نرخ بهره سرمایه گذاران را به پروژه های پرمخاطره سوق می دهد. از این رو بانک ها ترجیح می دهند که نرخ های بهره را در سطح اولیه شان نگه دارند و مقدار یا تعداد تسهیلات را کاهش دهند. این دیدگاه نیز به سبب افزایش ریسک نکول در نتیجه وجود اطلاعات نامتقارن می باشد. رفتار ریسکی وام گیرندگان عموماً پس از اعطای اعتبار تقویت می شود. زمانی که اعتبارات به صورت وام پرداخت می گردد، چه از طریق بانک یا از طریق ابزار بدهی، وام دهنده تا حدود زیادی ریسک زبان پروژه وام گیرنده را پذیرا می شود. لذا زمانی که پروژه ای شکست بخورد و وام گیرنده نکول نماید، آنگاه وام دهنده تمام یا بخشی از پول خود را از دست می دهد (والش، ۲۰۱۷، ص. ۴۸۳).

مخاطرات اخلاقی یکی از مشکلات اصلی در تامین مالی است. بیشتر مؤسسات مالی در هر دو جایگاه وام دهنده و وام گیرنده قرار می گیرند، لذا این مؤسسات می توانند در همان حال که قربانی مخاطرات اخلاقی شوند، خود عامل ایجاد مخاطرات اخلاقی باشند.

ب) انتخاب بد

جافی و راسل (۱۹۷۶) دریافته اند که افزایش نرخ بهره اگر منجر به شناسایی نوع تسهیلات گیرندگانی که مایل به دریافت تسهیلات هستند نباشد، غیرمفید خواهد بود. اطلاعات نامتقارن در انگیزه های وام دهندگان و وام گیرندگان برای انجام معاملات، سبب ایجاد مانع می شود و این مانع به طریق های مختلف ریسک نکول را افزایش می دهد. افراد دارای ریسک قصور بالاتر با احتمال بالاتر بیش از دیگران در پی اخذ وام هستند. زیرا وام گیرندگان ریسک پذیر افرادی هستند که به احتمال بالا با پول های خود و دیگران به انجام معاملات قمار می زنند. در حالی که وام گیرندگان محافظه کار به وام کمتری نیاز پیدا می کنند زیرا کمتر دچار زیان دیدگی می شوند. این مسأله قبل از انجام معاملات مالی به وجود می آید و اصطلاحاً انتخاب بد یا انتخاب نامناسب نامیده می شود. در واقع، وام دهندگان به انتخاب نادرست توجه دارند، از این رو، تمایلی به ارائه اعتبار به هر شخص وام گیرنده را ندارند، زیرا اطلاعات دقیق درباره افراد در اختیار ندارند (والش، ۲۰۱۷، صص. ۴۷۹-۴۸۰).

به طور کلی، انتخاب نامناسب و مخاطرات اخلاقی دو عامل موثر در عرضه ی اعتبارات هستند که هر دو از اطلاعات نامتقارن ناشی می شوند. بنابراین هر اندازه اطلاعات موجود در مورد وام گیرنده کمتر باشد، به همان اندازه اعتبار وام گیرنده از سوی وام دهنده کمتر و هزینه دریافت اعتبار برای وام گیرنده افزایش پیدا می کند. از این رو به نظر می رسد که بنگاه های نوپا و کوچک که فرصتی برای ایجاد پیشینه اعتباری پیدا نکرده اند و منابعی برای ارائه ی اطلاعات مالی به وام دهندگان در اختیار ندارند، تنها به اعتبارات کمتر با هزینه بیشتر دسترسی داشته باشند. سیستم بانکی از طریق برقراری ارتباط مستمر با وام گیرندگان کوچک برای آنها پیشینه اعتباری فراهم می سازند (رضائی و جلیلی، ۱۳۹۰).

ج) نظارت پرهزینه

برنانکه و گرتر (۱۹۸۹) فرض می نمایند که میان اعتباردهندگان و اعتبارگیرندگان هزینه کارگزاری وجود دارد. بر پایه دیدگاه نظارت پرهزینه، اعتباردهندگان ناگزیرند برای مشاهده نتیجه پروژه سرمایه گذاری اعتبارگیرندگان متحمل هزینه شوند. نظارت پرهزینه بر قیمت و هزینه اخذ وام تأثیر می گذارد و بر اساس مکانیسم شتاب دهنده مالی منجر به نکول در بازپرداخت وام و تسهیلات و بروز اصطکاک مالی می شود (والش، ۲۰۱۷، صص. ۴۸۴-۴۸۵).

۲-۳ روش های حل و فصل مطالبات معوق بانکی

در این قسمت، مهم ترین روش ها و استراتژی ها و راه حل های حل و فصل بدهی های معوق بانکی و تجدید ساختار بدهی ها بر اساس ادبیات موضوع و آنچه در کشورهای مختلف دنیا موقع بروز بحران ها و فروپاشی های مالی و بانکی مورد استفاده قرار گرفته است ارائه می شود. این روش ها به طور کلی شامل پنج دسته اصلی هستند.

روش اول، تجدید ساختار بدهی خارج از دادگاه یا اصطلاحاً work-out است. روش دوم، پاکسازی ترازنامه ای یا write-off است. روش سوم، رویکرد تاسیس بانک بد است. روش چهارم رویکرد تسویه در چهارچوب دادگاه می باشد و در نهایت مهمترین رویکرد که در بیشتر کشورهای دنیا مورد استفاده قرار گرفته است و اکنون نیز در حال بهره برداری است، روش تاسیس موسسات مدیریت دارایی است. این پنج رویکرد به عنوان مهمترین روش های حل و فصل مطالبات غیرجاری، تجدید ساختار بدهی، پاکسازی ترازنامه ای، افزایش میزان کفایت سرمایه بانک ها، حداکثرسازی بازیابی بدهی های مشکوک الوصول بانکی، کمک به تزریق سرمایه مجدد به بانک ها، بهبود جریان نقدی بنگاه ها و کمک به ادامه حیات و فعالیت بنگاه هایی که دچار مشکلات و فروپاشی مالی شده اند، در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. در ادامه این بخش به تفصیل این روش ها معرفی و تشریح می شوند.

الف) رویکرد تجدید ساختار خارج از دادگاه

تجدید ساختار بدهی فرآیندی است که به یک شرکت خصوصی و یا عمومی که با مشکلات سرمایه در گردش، بدهی های انباشته بانکی و مطالبات معوق بانکی دست به گریبان است اجازه می دهد تا به بهبود نقدینگی، سرمایه در گردش و جریان نقدی خود جهت ادامه فعالیت تجاری و اقتصادی بپردازد. به طور کلی این رویکرد شامل دو روش تامین مجدد مالی و تجدید ساختار خارج از دادگاه است. روش تامین مالی مجدد به طور خلاصه فرآیندی است که طی آن بدهی (وام) قبلی با یک وام جدید جایگزین می شود.

رویکرد خارج از دادگاه روشی برای تسویه و حل و فصل مطالبات معوق بانکی است که به بدهکاران بانکی با شهرت و سابقه تجاری خوب کمک می نماید تا بدون اینکه خدشه ای به اعتبار و شهرت شان وارد شود به فعالیت های تجاری و اقتصادی خود ادامه دهند. این روش شامل تغییر ترکیب دارایی ها و همچنین تغییر تعهدات بدهکاران است. بسیاری از کشورها در دوره هایی که با بحران های مالی مواجه شده اند به تدوین دستورالعمل های تسویه خارج از دادگاه بر اساس اصول INSOL پرداخته اند. به عنوان مثال، قواعد بانکوک برای کشور تایلند، رویکرد استانبول برای کشور ترکیه و قواعد عملیاتی جاکارتا برای کشور اندونزی. یکی از مهمترین نکات پیرامون روش مذکور بستر و پایه های قانونی برای تسویه در این روش است. بستر قانونی در این روش همان توافق است که فی مابین طرفین شکل می گیرد. ضمن آنکه موسسه ای برای تسهیل بخشی و ضمانت اجرای توافق تسویه بدهی تاسیس می شود. نکته دیگر این است که عموماً آغازگر پروسه تسویه در روش خارج از دادگاه بدهکاران بانکی هستند.

طی برنامه تجدید ساختار خارج از دادگاه، شرکت هایی که قابلیت احیا شدن و ادامه فعالیت تجاری و مالی دارند می بایست به تلاش برای مذاکره برای حل و فصل و تجدید ساختار بدهی های خود بپردازند و طرف مقابل نیز سعی در پرداخت کمک مالی به آنها می نماید. اما شرکت هایی که قابلیت احیا شدن ندارند باید از طریق پروسه تجدید ساختار شرکتی حذف شوند. به این ترتیب رویکرد workout شامل دو رویه است. اول، مذاکره برای یافتن راه حل خارج از دادگاه تجدید ساختار و بازسازی بدهی ها برای شرکت های قابل احیا شدن و دوم، سرعت

بخشی به فرآیند حذف شرکت هایی است که قابلیت احیا شدن و ادامه فعالیت نداشتند. طی فرآیند تجدید ساختار خارج از دادگاه مسائلی به شرح زیر باید مدنظر قرار گیرد.

- ۱) ملاحظاتی که بدهکار می بایست پیش از ورود به فرآیند تجدید ساختار مشخص کند.
- ۲) سهام داران یا ذی نفعان مرتبط با کار و تعیین چگونگی تغییر سهام، بر اساس داد و ستد بدهی.
- ۳) انواع توافقاتی که از ابتدا و آغاز کار، به شکل پیشنهادی مورد توجه قرار می گیرد مثل توافق ثابت.
- ۴) دوره تعلیق.
- ۵) اهمیت حفاظت از اطلاعات محرمانه.
- ۶) ارزش گذاری دارایی های بدهکار.
- ۷) امکانات بازپرداخت بدهی که می تواند به برنامه تجدید سازمان متکی باشد.
- ۸) گزاره های رویه ای پیشبرد مذاکرات فرآیند تجدید ساختار.
- ۹) بنیان عوامل پیچیده تر چهارچوب های موثر و موفقیت آمیز.
- ۱۰) رتبه بندی دعاوی طلبکاران.
- ۱۱) اعتبارات مالی جدید در خلال کار.
- ۱۲) موانع و اشکالات عینی در قوانین دیگر.
- ۱۳) دسته بندی دعاوی.
- ۱۴) نقش محتمل دلالت.

ب) رویکرد تاسیس بانک بد

ایده بانک بد یک ایده نو نیست. این ایده حتی قبل از بروز بحران های مالی و بانکی توسط بانک ها مورد استفاده قرار می گرفته است. بانک ها عموماً برای دستیابی به اهدافی نظیر پاکسازی ترازنامه ای، حفاظت از دارایی های بد و حداکثر نمودن ارزش باز پرداخت آنها، تفکیک و جداسازی مسئولیت مدیریتی از ضرر و زیان های ایجاد شده و همچنین تقویت انگیزه های اهرمی از استراتژی بانک بد استفاده کرده اند. بانک ها از تاسیس بانک بد چهار هدف عمده را دنبال می کنند. اول، پاکسازی ترازنامه ست. دوم، افزایش اهرم ها، سوم، کاهش میزان مطالبات غیرجاری و چهارم، تفکیک مطالباتی است که مسئولیت آنها با مدیریت بانک هاست (مارتینی و همکاران، ۲۰۰۹). بانک بد یک ساختار شرکتی است که با هدف ایزوله کردن دارایی های با ریسک بالای بانک ها یا موسسات مالی و اعتباری تشکیل می شود. بانک ها ممکن است یک سبد بزرگ انباشته از بدهی ها و سایر ابزارهای مالی با ریسک غیر قابل انتظار بالا داشته باشند. این شرایط امکان افزایش سرمایه را از طریق انتشار اوراق قرضه و یا راه های دیگر برای بانک ها مشکل می سازد. در چنین شرایطی ممکن است بانک علاقه مند باشد تا دارایی های بد و خوب خود را دسته بندی و تفکیک نماید. این تفکیک و دسته بندی از طریق ایجاد یک بانک بد امکان پذیر است. هدف از این جداسازی این است تا به سرمایه گذاران اجازه داده شود تا سلامت مالی بانک را با اطمینان بیشتر ارزیابی و رصد نمایند. بانک بد توسط بانک ها و موسسات مالی و اعتباری به عنوان بخشی از یک استراتژی برای مذاکره با طرف بدهکار بانکی در شرایط مالی سخت مطرح می باشد. بانک بد می تواند توسط دولت و یا سایر

مؤسسات مالی و اعتباری به عنوان یک اداره پاسخ دهنده به مشکلات مالی بین تعدادی از مؤسسات مالی و اعتباری ایجاد شود. ساختار شرکتی یک بانک بد می تواند شامل سبدهی از دارایی های ریسکی مؤسسات مالی باشد نه فقط یک مورد از آنها.

بانک بد علاوه بر جداسازی و یا حذف دارایی های بد از ترانامه بانک ها، این اجازه را دارد تا مذاکراتی برای مدیریت و حل و فصل دارایی های بد انجام دهد. بانک های بد به منظور رسیدگی و ارزیابی چالش های مالی ناشی از بحران های مالی و اقتصادی، به حذف دارایی های بد بانک ها از دفاترشان می پردازد. طی بحران مالی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ جهانی، در چندین کشور بانک بد تشکیل شد. به عنوان مثال به عنوان بخشی از قانون تثبیت اقتصادی ۲۰۰۸، بانک بد برای کمک برای حل بحران وام مسکن در امریکا پیشنهاد شد. در جمهوری ایرلند یک بانک بد با عنوان آژانش مالی مدیریت دارایی در سال ۲۰۰۹ در واکنش به بحران مالی در آن کشور تاسیس شد.

ج) رویکرد مؤسسات مدیریت دارایی

زمانی که کشورها درگیر بحران های مالی شدند، بانک ها دیگر قادر به تمرکز بر فعالیت های کلیدی خود نبودند. تاسیس مؤسسات مدیریت دارایی در بسیاری از کشورهای دنیا با هدف جمع آوری دارایی های غیرجاری از بانک ها و مؤسسات مالی در دستور کار قرار گرفت. عموم کشورهای اروپایی و آسیای شرقی طی بحران های مالی و بانکی اخیر از رویکرد راه اندازی مؤسسات مدیریت در راستای رفع مطالبات غیرجاری بهره گرفته اند.

بر اساس مطالعات، مؤسسات مدیریت دارایی به طور کلی به دو دسته تقسیم می شوند. دسته اول موسساتی هستند که در چهارچوب قوانین و مقررات بانکی به تجدید ساختار، فروش دارایی و نقد کردن دارایی های بانک ها و بدهکاران بانکی ورشکسته می پردازند. در این دسته از مؤسسات هیچ گونه خرید و فروش دیون و مطالبات بانکی صورت نمی گیرد. دسته دوم، موسساتی هستند که دارایی های بد یا همان مطالبات غیرجاری بانک ها را خریداری می کنند. فرایند معامله و داد و ستد دارایی های بد بین این مؤسسات و بانک های فروشنده صورت می پذیرد. در ادامه فرآیند به منظور حل و فصل مطالبات، این مؤسسات به انتشار اوراق بدهی می پردازند که توسط دولت تضمین شده است. انتشار این اوراق به منظور تامین نقدینگی مورد نیاز جهت خرید مطالبات غیرجاری بانک هاست. نکته مهم این است که در هر دو حالت باید ارزش دارایی های بد بانکی توسط یک موسسه ارزیابی و یا مشاوره سرمایه گذاری تعیین و منتشر شود.

سیاست مدیریت دارایی در قالب مؤسسات مذکور چهار هدف عمده را دنبال می کند. اول، تسهیل در تجدید ساختار مالی است. کاهش کیفیت دارایی های مالی کارکرد بانک ها و مؤسسات مالی را تضعیف می کند. مؤسسات مدیریت دارایی توان پرداخت و نقدینگی را به مؤسسات مالی و بانک ها باز می گرداند تا بتوانند جهت انجام وظیفه اصلی شان یعنی واسطه گری مالی ایفای نقش نمایند. دوم، افزایش نرخ وصول است. نرخ وصول بالا باعث می شود تا وام دهندگان امید بیشتری نسبت به بازگشت اعتبارات وصول نشده داشته باشند و از طرفی، در وام گیرندگان جدید هم این اطمینان ایجاد می شود که در صورت عدم پرداخت بدهی، قواعدی وجود خواهد داشت که بیشترین مقدار بدهی را از آنان وصول نماید. یکی دیگر از مزایای این است که وقتی دولت تعهدات مؤسسات مالی مداخله گر را بر عهده گیرد و برای خارج کردن بدهی های بانک ها از ترانامه بانک ها، از درآمدهای بخش

عمومی استفاده کند، این چشم‌انداز وجود دارد که نرخ بالای وصول دارایی‌ها بخشی از بار مالیاتی را از دوش مالیات‌دهندگان برمی‌دارد. این مالیات، برای پوشش کسری عدم وصول مطالبات، از سوی دولت استفاده می‌شود، بنابراین افزایش نرخ وصول، باعث می‌شود که احتمال استفاده از این درآمدهای مالیاتی کاهش یابد. سومین هدف عمده از سیاست‌های مدیریت دارایی تسریع در انحلال است. در نهایت چهارمین هدف سیاست‌های مدیریت دارایی تاسیس موسسات مدیریت دارایی است که برای برعهده گرفتن دارایی‌های بد موسسات مالی و بانک‌ها تشکیل می‌شود.

موسسات مدیریت دارایی از چند طریق به سیستم مالی در یک اقتصاد کمک می‌کنند. اول، این موسسات بانک‌ها را وادار می‌کنند تا دارایی‌های بد خود را شناسایی و تعیین نمایند. دوم، خرید و فروش دارایی‌های بد و تبدیل نمودن این دارایی‌ها به اوراق بدهی با ضمانت دولت به کیفیت دارایی‌های مالی کمک نموده و عملکرد سیستم مالی را بهبود می‌بخشد. سوم، تفکیک بانک‌ها و بدهکاران بانکی غیر قابل احیا از آنهایی که قابلیت احیا شدن دارند به پاکسازی سیستم مالی کمک می‌نماید.

مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که موفقیت موسسات مدیریت دارایی در مسأله مدیریت دارایی‌های منجمد و مطالبات معوق بانکی به چهار عامل بستگی دارد. اول استراتژی (شامل استراتژی‌های تامین مالی و برنامه‌های تجاری) است. دوم، پایه‌های قانون و مقررات (شامل قوانین مالی و مالیاتی و حسابداری، ساختار هدف برای سهامداران و آماده‌سازی سند‌های قانونی) در تاسیس این موسسات است. سوم، مدل عملیاتی هدف در این موسسات (شامل ساختار سازمانی، ابزارهای تحلیلی و سیستم‌های مدیریت اجرا و نظارت) است و در نهایت چهارم، نقشه راه (شامل جدول زمانی، منابع، مکانیزم‌های راهبری و اصول اجرایی قانونی) است.

همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد یکی از مهمترین وظایف موسسات مدیریت دارایی حل و فصل مطالبات غیرجاری بانکی و افزایش سرعت و میزان بازیابی این دارایی‌هاست. مطالعات نشان می‌دهد که عوامل مختلفی بر این وظیفه حیاتی موسسات مدیریت دارایی تاثیر می‌گذارد که عبارت‌اند از: مقدار اولیه مطالبات غیرجاری، مجوز، اختیارات و مأموریت‌های محوله به موسسات مدیریت دارایی، حمایت‌های مالی و سیاسی دولت، بستر و شرایط قانونی و همچنین کیفیت دارایی‌ها (فانگ و همکاران، ۲۰۰۴). ضمن اینکه یک موسسه موفق AMC نیازمند این است که اختیارات کافی داشته باشد و اهدافش به روشنی تعریف شده باشد.

عملکرد یک شرکت مدیریت دارایی‌ها بازتابنده پیوستگی فرآیند تجدید ساختار بانک‌هاست. اگر حسابداران فعال در این شرکت‌ها به درستی مدیریت شوند، مطالبات غیرجاری طبقه بندی شده و ساختار یافته باشند آنگاه این موسسات به درستی عمل خواهند کرد.

د) رویکرد پاکسازی ترازنامه ای write-off

روش دیگر برای کاهش وام‌های معوق به نام write-off می‌باشد. روش write-off به معنی کاهش در دریافتی ناشی از افزایش هزینه‌ها یا زیان می‌باشد. به عبارتی دیگر زمانی که دارایی به عنوان دارایی غیرقابل جمع شدن شناسایی می‌شود طبق فرآیندی در حسابداری آن دارایی به عنوان زیان شناسایی می‌گردد. زمانی که یک کسب و کار درآمد مالیاتی خود را فایل می‌کند، می‌تواند هزینه‌های خود را write-off کرده و از درآمدی که مالیات بر

آن لحاظ می‌گردد کسر کند و یک منفعت مالیاتی کسب کند. برای مثال زمانی که شما پولی را برای هزینه ناهار مشتری خود خرج می‌کنید، این هزینه می‌تواند به عنوان یک هزینه write-off کرده و از میزان مالیاتی که پرداخت می‌کنید، کاهش دهید. به طور مشابه زمانی که فردی به شما پولی بدهکار است، و آن فرد اعلام ورشکستگی می‌کند که قادر به پرداخت پول بدهکاری به شما نیست، این بدهی غیرقابل جمع کردن به عنوان هزینه ای که می‌توان write-off انجام داد شناسایی کرد. در حقیقت write-off به عنوان یک کاهش در هزینه-های مالیاتی شناسایی می‌شود. write-off به طور ساده درآمد مالیاتی فرد یا کسب و کار را کاهش داده و از سوی دیگر باعث کاهش تعهد مالیاتی شود.

از سوی دیگر بانک ترجیح می‌دهد که مجبور نباشد، بدهی بد را write-off نکند از آن جا که پورتنفوی وام دارایی اولیه و منبع درآمدهای آینده مشتری می‌تواند به راه های گوناگونی بدهی بد را به بانک ها تحمیل کند. اگر بدهی بانکی پرداخت نشود، بانک می‌تواند بدهی را به عنوان بدهی بد write-off کند. در write-off بانک ها بدهی بد را به عنوان زیان غیر قابل جمع کردن در بازگشت مالیات خود وارد می‌کنند. روش write-off درآمد بانکی را کاهش می‌دهد و در نتیجه باعث کاهش درآمد قابل پرداخت به عنوان مالیات می‌شود. این فرآیند حسابداری می‌تواند به طور کلی باعث کاهش تعهد مالیاتی بانک شود که در حقیقت هدف write-off می‌باشد. دسته بندی بدهی به عنوان بدهی غیرقابل جمع کردن به این معنی نیست که بانک هیچ وقت نمی‌تواند آن را جمع کند بلکه به اسن مفهوم است که تا آن زمان نتوانسته آن را جمع کند.

زمانی که بانک یک بدهی را write-off می‌کند به این مفهوم نیست که حق بانک برای جمع آوری از بین رفته است. بانک همچنان می‌تواند شما را برای دریافت بدهی مورد جستجو قرار دهد. خیلی از بانک ها حساب های بدهی بد را اژانس های جمع آوری بدهی انتقال می‌دهند. بدین صورت که ا برای این کار استخدام می‌کند یا دارایی را به اژانس می‌فروشد. اژانس این حق را دارد که برای جمع آوری بدهی از طرف شما تلاش کند. اگر بدهکار در همان بانک حساب دیگر داشته باشد، اینک مختار است که آن حساب را متوقف کند و برای دریافت بدهی خود از آن برداشت کند. این مورد را به عنوان جبران حق می‌نامند. بستگی به حجم بدهی شما، بانک یا اژانس حق پیگیری را در دادگاه مدنی دارند. پس از پیروزی در دادگاه، قاضی حکم به توقف دارایی شما را می‌دهد این شامل توقف حقوق و دستمزد و حق تصرف بر روی دارایی می‌شود. بانک یا اژانس موضوع write-off را به کمیسیون اعتبارسنجی گزارش می‌دهند و این گزارش تا هفت سال در گزارش اعتباری بدهکار باقی می‌ماند. زمانی که در هند عملیات write-off انجام گردید عده ای معتقد بودند که این کار درحقیقت نوعی شیادی است. در حقیقت اجرای عملیات write-off توسط بانک های هندی را ناکافی می‌دانستند و معتقد بودند باید متوقف شود. بانک های بخش عمومی در حدود ۱۱۴۰۰۰ کرور روپیه در سه سال گذشته و ۵۰۰۰۰ کرور روپیه انتظار است در در امسال انجام گیرد. این احساس وجود دارد که بانک ها به قرض گیرندگان صورت تمیز با قربانی کردن حجم بزرگی از پول را اهدا می‌کنند. و وام های کوچک توانایی استفاده از آن را ندارند و تنها مورد استفاده وام های بزرگ است. وامی که افراد از بانک ها دریافت می‌کنند در حقیقت دارایی بانک است و بهره ای که بابت آن می‌پردازند درآمد بانک می‌باشد. تا زمانی که بهره وام پرداخت می‌شود هیچ مشکلی وجود ندارد. زمانی که

شما از پرداخت اقساط عقب می مانید درآمد بانک کاهش می یابد و دارایی بانک به صورت وام باقی مانده است. بانک همچنان انتظار دارد که شما پول خود را پس می دهید. زمانی که از این قطعه امیدواری گذشت بانک در وهله اول دارایی را به عنوان زیان شناسایی می کند و سپس از صورت های مالی حذف می کند. فرآیند خارج کردن وام از دارایی را به عنوان write-off تعریف می کنند. بدهی در حقیقت از صورت های مالی حذف شده است ولی از حافظه پاک نشده است لذا بانک و یا ژانوس وظیفه پیگیری وصول را همچنان ادامه می دهد. حسن این روش برای بانک این است که تصویر شفافی از دارایی هایی که برای آن ها درآمد ایجاد می کنند را نشان می دهد. از نشان دادن حجم بزرگی از دارایی که هیچ درآمدی ایجاد نمی کنند خلاص می شود. از سوی دیگر برای بانک منافع مالیاتی ایجاد می کند. اگر بدهکار پول خود را پرداخت نکند بخش اعظمی از بدهی قبلاً توسط دولت از طریق کاهش مالیات پرداخت شده است. اگر این کار برای بانک کاهش درآمد مالیاتی را در پی دارد چرا بانک مرکزی بانک ها را ترغیب به write-off می کند. بیشتر بانک های دولتی با متورم کردن (افزایش قیمت) دارایی های پایه خود با ادامه دادن دارایی های معوق به عنوان دارایی های نرمال و قرض ندادن پول به کسانی که نیازمند واقعی آن هستند به کار خود ادامه می دهند. قبل از عملیات write-off هرگونه افزایش سرمایه بدلیل اینکه آن افزایش سرمایه صرف پوشاندن زیان ها می شود، چندان کارایی ندارد. برای تشویق به قرض دادن و هل دادن اقتصاد بانک ها را شروع به تشویق کردن نه زور کردن برای پاک سازی صورت های مالیاتی و شروع دوباره می کنند. در نهایت سوال این است که آیا بر روی سایر سپرده گذاران تاثیر می گذارد؟ با حتما تاثیر می گذارد. بانکی که سهم زیادی به صورت وام معوق دارد تلاش می کند سپرده گیری با حداقل نرخ انجام دهد و در مقابل با حداکثر نرخ وام دهد. به عنوان تکنیکی یا احتیاطی write-off حساب های مربوطه به وام های معوق در حساب شعب باقی می ماند ولی از حساب شعبه مدیریتی خارج می شود. این صحبت درست است که حساب های معوق کوچک همچون حساب های بزرگ این توانایی و راه گریز را ندارند. ولی حساب های بزرگ clout و سایر ابزارها را برای جلوگیری از بازسازی دارایی های بانک را دارا هستند. همچنین موردی برای حساب های کوچک وجود ندارد و به زودی بدلیل تکنیک فشار مجبور به پرداخت می گردند. به عنوان قوانین جدید در کشور هندوستان حتی بدهکاران بزرگ که بدهی آنان معوق شده است، برایشان مشکل خواهد بود که از سیستم بانکی به راحتی منابع دریافت کنند اگر حساب قبلیشان را پاک نکرده باشند.

ه) رویکرد تسویه دادگاه محور

زمانی که ارزیابی ها نشان می دهد، شرکت های بدهکار بانکی امکان ادامه حیات و فعالیت اقتصادی ندارند، در عموم کشورهای دنیا روش تسویه در چهارچوب سیستم های قضائی و دادگاه محور مورد توجه قرار گرفته است. سیستم حل و فصل دادگاه محور به طور کلی شامل سه رویکرد است.

(۱) رویکرد ورشکستگی: تبدیل دارایی های بدهکار به نقدینگی تحت نظارت دادگاه می باشد. این رویکرد در چهارچوب قوانین ورشکستگی هر کشور و با نظارت دادگاه و یا نماینده سیستم قضائی قابل اعمال و اجرا است.

۲) رویکرد ترکیب اعتبار دهنده: یک روش تسویه است که در آن یک دارایی بدهکار به تصرف طلبکار در می آید. این رویکرد برای طلبکارانی است که سطح بدهی های آنها از یک مقدار مشخص تعیین شده کمتر است. روش ترکیب به منظور ضمانت تسویه با اعتباردهنده است. این رویکرد یک توافق است میان بدهکار و اعتباردهنده و ایده اصلی آن رویکرد امکان پرداخت از سوی بدهکار به اعتبار دهنده از یک سو و ممانعت به عمل آوردن از انجام هرگونه اقدام قانونی از سوی اعتباردهنده علیه بدهکار است که در چهارچوب یک برنامه زمان بندی بازپرداخت به توافق طرفین می رسد.

۳) رویکرد تغییر سازمان و مدیریت شرکت: در این روش دادگاه مدیریت و راهبری سازمان و شرکت را به اعتبار دهنده می دهد و مسئولیت مدیریتی و اداره شرکت به یک شخص بیرونی داده می شود. تجدید سازمان فرآیندی است که به منظور نجات دادن یک سازمان و شرکت در حال ورشکسته شدن طراحی شده است. تجدید سازمان در شرکت ها شامل اقداماتی نظیر اصلاح دارایی ها و بدهی های شرکت و همچنین برگزاری مذاکراتی با اعتباردهندگان جهت حفظ برنامه بازپرداخت بدهی است. تجدید سازمان تلاشی است در جهت افزایش طول عمر و حیات یک شرکت ورشکسته شده از طریق تجدید ساختار و همچنین یک سری از ترتیبات خاص در راستای به حداقل رساندن احتمال وقوع مجدد حوادث گذشته. تغییر سازمان می تواند به معنای تغییر در ساختار و مالکیت یک شرکت از طریق فرآیندهای ادغام و اکتساب، جذب، انتقال، تزریق سرمایه و یا تغییر در مالکیت و ساختار مدیریت باشد. به طور کلی هرگونه اقدام تجدید ساختار شرکتی می تواند به عنوان تغییر سازمان تعبیر و تفسیر شود.

۳ پیشینه پژوهش

در این بخش مطالعات تجربی در دو سطح داخلی و خارجی مرور می شوند. این بخش شامل مرور مطالعاتی است که به دنبال ریشه یابی و شناسایی علل افزایش مطالبات معوق هستند. در این راستا، بخش اول به مرور مطالعات تجربی پیشین داخلی و بخش دوم به مرور مطالعات خارجی اختصاص دارد. در نهایت رد بخش سوم در قالب جداولی به مرور چکیده این مطالعات پرداخته می شود.

• مطالعات تجربی داخلی

خیرخواه و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه ای با عنوان مدل سازی عوامل موثر بر مطالبات معوق بانک ها با استفاده از رویکرد پویایی سیستم، به این نتیجه رسیده اند که نرخ تورم انتظاری، نرخ بیکاری و تغییر سود تسهیلات بانکی اثر قابل ملاحظه ای بر تغییر مطالبات معوق بانک ها دارد.

اصفهانی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه ای با عنوان تجزیه و تحلیل الگوی چگونگی تجهیز، تخصیص و وصول مطالبات (مطالعه موردی پنج کشور اسلامی منتخب: ایران، مالزی، پاکستان، اردن و بحرین)، روش هایی را که در پنج کشور مذکور در مواجهه با مطالبات معوق بانکی اعمال می شود، مرور کرده اند. این کشورها عموماً از روش هایی نظیر هزینه جبران خسارت، جریمه تاخیر و الزام نمودن چنین مشتریانی به کمک به خیریه ها بهره

گرفته اند. در این کشورها همچنین از ابزارهای تشویقی بخشش جرایم در صورت تسویه کامل قبل از سررسید نیز استفاده شده است.

آقایی و رضاقلی زاده (۱۳۹۶) در مطالعه ای با عنوان بررسی تاثیر کوتاه مدت و بلند مدت عوامل بانکی و اقتصادی موثر بر حجم مطالبات معوق بانکی، اثر متغیرهای بانکی شامل مدیریت بد و نامناسب بانکی و فقدان اخذ وثیقه های مناسب و افزایش ریسک اعتباری، اندازه بانک، میزان متنوع سازی فرصت های بانکی، محدود بودن سرمایه بانک ها و افزایش نسبت وام های ریسکی در ترکیب وام های بانکی و میزان هزینه های صورت گرفته روی نظارت و تعهد بانکی را بر حجم مطالبات معوق بانکی بررسی کرده اند. در این مطالعه همچنین اثر متغیرهای اقتصادی شامل نسبت بدهی های دولتی به تولید، رشد اقتصادی، تورم و نرخ سود تسهیلات بانکی نیز بر حجم مطالبات بانکی بررسی شده است. این مطالعه بر اساس رویکرد رگرسیون داده های تابلویی پویا و طی دوره زمانی ۱۳۸۰ لغایت ۱۳۹۳ صورت گرفته است. نتایج نشان می دهد که از بین متغیرهای بانکی نقش مدیریت بد و نامناسب و عدم ارزیابی و نظارت مشتریان از سایر عوامل مهم تر و برجسته تر است. ضمن اینکه مجموعه عوامل اقتصادی نقش قابل توجهی در توضیح تغییرات مطالبات معوق بانکی دارند. لذا تغییرات مطالبات معوق بانکی در ایران بیشتر تحت تاثیر شرایط اقتصادی است.

حکیمی پور (۱۳۹۷) در مطالعه ای با عنوان ارزیابی چگونگی عوامل تاثیرگذار بانکی بر مطالبات غیرجاری بانک های ایران به بررسی رابطه بین عوامل حسابداری بانک ها و مطالبات غیرجاری بانک ها در کل بانک های دولتی و غیردولتی ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۸۷ به روش داده های تابلویی (پانل) و مدل پانل پویا پرداخته است نتایج این تحقیق نشان می دهند که وقفه گذشته مطالبات غیرجاری، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام، نسبت تسهیلات اعطایی به دارایی ها، نسبت حقوق صاحبان سهام به دارایی ها و نرخ ارائه تسهیلات اعطایی تاثیر معنی داری بر ایجاد مطالبات غیرجاری در بانک های کشور دارند.

مداح و پرنیان (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان نقش فساد اقتصادی در افزایش مطالبات معوق بانکی به بررسی اثر عوامل مختلف موثر بر مطالبات معوق ۲۰ بانک با تمرکز بر موضوع فساد اقتصادی (شاخص تعداد جرایم مالی) طی سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ در چارچوب الگوی پانل دیتا پرداخته که بر اساس نتایج حاصله عوامل اقتصادی از جمله نرخ بیکاری بر رشد مطالبات معوق بانکی اثر مثبت و معنی داری دارند و همچنین بین متغیر حاصل ضرب شاخص اندازه بانک در فساد اقتصادی و مطالبات معوق بانکی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد که بر این اساس گستردگی فساد موجب افزایش مطالبات معوق در بانک های بزرگ تر می شود. بنابراین تشدید سیاست های کنترل فساد اقتصادی، کاهش حجم مطالبات معوق بانکی در ایران را به همراه خواهد داشت.

ابراهیمی و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله ای با عنوان تلنگر و سیاست های مبتنی بر رفتار، ابزاری توانمند در کاهش مطالبات بانکی، باهدف بهره مندی از ابزارهای اقتصاد رفتاری در بانک ها جهت وصول مطالبات، با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته به گردآوری مشاهدات پرداخته و با تحلیل تم مؤلفه ها و شاخص هایی جهت وصول مطالبات بانک ها شناسایی نموده اند. یافته های پژوهش نشان می دهد که می توان از ابزارهای تلنگر که شامل نه مفهوم اصلی: یاد آورنده ها، مشوق ها، هنجارها، پیش فرض، برجستگی، زمینه سازی ذهنی، تحریک هیجانات، اخذ

تعهدات و ایجاد عزت نفس است در جهت وصول مطالبات بانک بهره برد. بطوریکه بر اساس تماس تلفنی و بدون بهره‌مندی از تلنگر به پیگیری مطالبات پرداخته شود ۲۰ درصد پرونده‌های مطالباتی کاهش خواهد یافت اما اگر در تماس تلفنی جهت وصول مطالبات از تلنگر نیز استفاده شود ۳۰ درصد تعداد پرونده‌های مطالباتی کاهش خواهد یافت بنابراین با بهره‌مندی از تلنگرها، پیش‌بینی می‌گردد، ۱۰ درصد تعداد پرونده‌های مطالباتی کاهش خواهد یافت.

• مطالعات تجربی خارجی

تاناسکوویچ و جادریک^۱ (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای برای چند گروه از کشورهای توسعه یافته و نوظهور اثر متغیرهای کلان اقتصادی و متغیرهای نهادی را بر حجم مطالبات غیرجاری بررسی کرده‌اند. نتایج آنها نشان می‌دهد، رشد اقتصادی اثر معنادار و منفی بر مطالبات غیرجاری در کشورهای مورد مطالعه دارد. همچنین نرخ ارز و نسبت وام های خارجی اعطا شده اثر معنادار منفی بر حجم مطالبات غیرجاری دارند. از طرفی، تورم اثر معناداری بر متغیر وابسته یعنی مطالبات غیرجاری ندارد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد تنها متغیر نهادی سطح توسعه یافتگی بازارهای مالی اثر معنادار و منفی بر مطالبات غیرجاری بانکی در کشورهای مورد بررسی دارد.

ویسونچی^۲ (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای برای ۸۲ بانک تجاری کشور ژاپن طی دوره زمانی ۱۹۹۳ الی ۲۰۱۳ با بهره‌گیری از رویکرد رگرسیونی با استفاده از روش به این نتیجه دست یافته است که ارتباط زمان متغیر و پویا بین رشد اعتبارات بانکی و نسبت مطالبات غیرجاری وجود دارد. بر اساس نتایج این مطالعه، ارتباط میان نرخ رشد اعتبارات بانکی با مطالبات غیرجاری قبل از وقوع بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۷ مثبت و بعد از دوره وقوع بحران مالی منفی است. بر اساس نتایج، رشد اعتبارات و افزایش مطالبات غیرجاری ارتباط معناداری با سودآوری بانک ها ندارد. نتایج نشان می‌دهد افزایش وام دهی بانکی که منجر به افزایش حجم مطالبات غیرجاری می‌شود به سودآوری بانکی در کشور ژاپن کمک نمی‌کند.

اکورنرو و همکاران^۳ (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای برای کشور ایتالیا، اثر افزایش نسبت مطالبات غیرجاری را بر عرضه اعتبارات بانکی برای بنگاه‌های غیرمالی طی دوره زمانی ۲۰۰۸ الی ۲۰۱۵ بر اساس رویکرد رگرسیونی تابلویی زمان متغیر با اثرات ثابت بررسی کرده‌اند. نتایج آنها نشان می‌دهد که رفتار قرض دهندگی سیستم بانکی در کشور ایتالیا تحت تاثیر نسبت مطالبات غیرجاری نیست و ارتباط منفی میان رشد اعتبارات با نسبت مطالبات معوق بانکی به دلیل تغییر شرایط مالی و اقتصادی بنگاه ها و کاهش تقاضای آنها برای وام و تسهیلات بانکی است.

واسیلیس^۴ (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای با بهره‌گیری از روش داده‌های تابلویی برای ۳۱ کشور دنیا به بررسی تاثیر عوامل کلان اقتصادی اثرگذار بر افزایش حجم مطالبات غیرجاری پرداخته است. نتایج وی نشان می‌دهد که رشد اقتصادی، نرخ بیکاری و فشار مالی ناشی از انجام سیاست های مالی دولت جزو مهمترین متغیرها و عوامل اثر گذار بر مطالبات غیرجاری بانکی هستند.

¹ Tanaskovic & Jandric

² Vithessonthi

³ Accornero

⁴ Vasilis

ازیلی^۱ (۲۰۱۹) با استفاده از داده‌های ۹۶ کشور با بررسی رابطه بین توسعه مالی و مطالبات معوق به روش تخمین مدل پانل پویا نشان داد رقابت بانکی و نسبت اعتبارات به تولید اثر منفی و معنی دار بر مطالبات معوق در کشورهای تحت بررسی داشته است.

لی^۲ و همکاران (۲۰۲۰) با ازمون فرضیه اثر تولید ناخالص داخلی بر مطالبات معوق بانکی در تایوان طی سالهای ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵ دریافتند در مواقع رکود اقتصادی و پایین بودن سطح تولید ناخالص داخلی، بانکها باید توجه بیشتری به قابلیت‌های حاکمیت شرکتی بنگاه‌ها داشته باشند چون در صورت ضعیف بودن حاکمیت شرکتی، بانکها در معرض مطالبات معوق بیشتر قرار خواهند گرفت.

سان^۳ و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله‌ای تحت عنوان فساد، مطالبات معوق و رشد اقتصادی رابطه بین فساد و مطالبات معوق در ۱۲۰ کشور در دوره ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۷ را از لحاظ تجربی آزمون کرد. وی در ابتدا اظهار میدارد گروهی از نظریه پردازان نقش فساد را همانند گریس در چرخ‌های ماشین می‌دانند که با روان کردن چرخ دنده‌های سیاستگذاری به رشد اقتصادی کمک می‌کند. بر این اساس فساد موجب می‌شود تا شرکت‌های مولد از طریق ارتباط با سیاستمداران وام‌های بزرگتری از بانک‌ها دریافت کنند و دسترسی سریعتری به وام داشته باشند؛ این شرکتها معمولاً دارای نکول بالاتری هستند که در نهایت سیستم بانکی را با مشکل مطالبات معوق مواجه میکند. نتایج حاصل از تخمین مدل پانل دیتا در این تحقیق اثر مثبت فساد بر مطالبات معوق را تأیید میکند که در نتیجه آن رشد اقتصادی در کشورهای تحت بررسی کاهش یافته است.

۴ روش پژوهش

برای اولویت بندی روش های تامین مالی از روش تحلیل سلسله مراتبی استفاده می شود باید توجه داشت که برای رتبه بندی روش‌های مختلفی مطرح است به طور کلی روش‌های پارامتری^۴ و روش‌های غیرپارامتری^۵ یا نا پارامتری برای رتبه بندی وجود دارد بطور مثال روش‌های آماری معادلات ساختاری و همچنین تحلیل پوششی داده‌ها که این روش‌ها نیازمند اطلاعات کمی می‌باشد که در این تحقیق این معذوریتهای وجود دارد همچنین روش‌های مدیریتی و قضاوتی نیز مزرح می باشد از قبیل روش های تصمیم گیری چند معیاره که به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند (امامی میبیدی، ۱۳۷۹): الف) مدل‌های تصمیم گیری چند هدفه^۶ (مدل‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه^۷).

¹ Ozili

² Lee

³ Son

⁴ Parametric Method

⁵ Non Parametric Method

⁶ Multiple Objective Decision Making

⁷ Multiple Attribute Decision Making

الف) مدل‌های تصمیم‌گیری چند هدفه

در این مدل‌ها تصمیم‌گیری چندین هدف به طور همزمان جهت بیشینه شدن، مورد توجه قرار می‌گیرند. مقیاس سنجش برای هر هدف ممکن است با مقیاس سنجش برای بقیه اهداف متفاوت باشد. بهترین تکنیک این روش برنامه ریزی آرمانی است که اولین بار توسط جارنر و کوپر ارائه گردید.

ب) مدل‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه

در این مدل‌ها یک گزینه از بین گزینه‌های موجود مد نظر است در یک نگاه کلی این روش به تصمیمات خاصی مانند ارزیابی، اولویت‌گذاری و یا انتخاب از بین گزینه‌های موجود اطلاق می‌گردد. خصوصیات مشترک مدل‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه (MADM) عبارتند از انتخاب از بین گزینه‌های مشخص، وجود چندین شاخص موثر در تصمیم‌گیری، واحدهای بی‌مقیاس و اطلاعات منجر به وزن بندی شاخص‌ها می‌باشد.

انواع روش‌های MADM با عنایت به داده‌ها عبارتند از

۱) مدل‌های جبرانی^۱؛ تبادل بین شاخص‌ها صورت می‌گیرد. از قبیل؛ AHP، میانگین وزنی، Topsis

ELECTRE، تخصیص خطی

۲) مدل‌های غیرجبرانی^۲: تبادل بین شاخص‌ها صورت نمی‌گیرد مانند: روش تسلط، لکسیکوگراف، حذف،

ماکسی مین، مینی ماکس، رضایت بخش خاص و شمول.

از بین روش‌های فوق یکی از کارآمدترین تکنیک‌های تصمیم‌گیری فرایند تحلیل سلسله مراتبی که اولین بار توسط توماس ال ساعتی در ۱۹۸۰ مطرح شد. AHP بر اساس مقایسه‌های زوجی بنا نهاده شده و امکان بررسی سناریوهای مختلف را به مدیران می‌دهد. لذا در این تحقیق از این روش استفاده می‌شود. (صامتی و همکاران، ۱۳۸۲) انواع حالت‌های تصمیم‌گیری AHP به شرح نمودار ۱ می‌باشد.

اصول فرایند تحلیل سلسله مراتبی به شرح ذیل می‌باشند:

اصل ۱. شرط معکوسی

اصل ۲. همگنی

اصل ۳. وابستگی

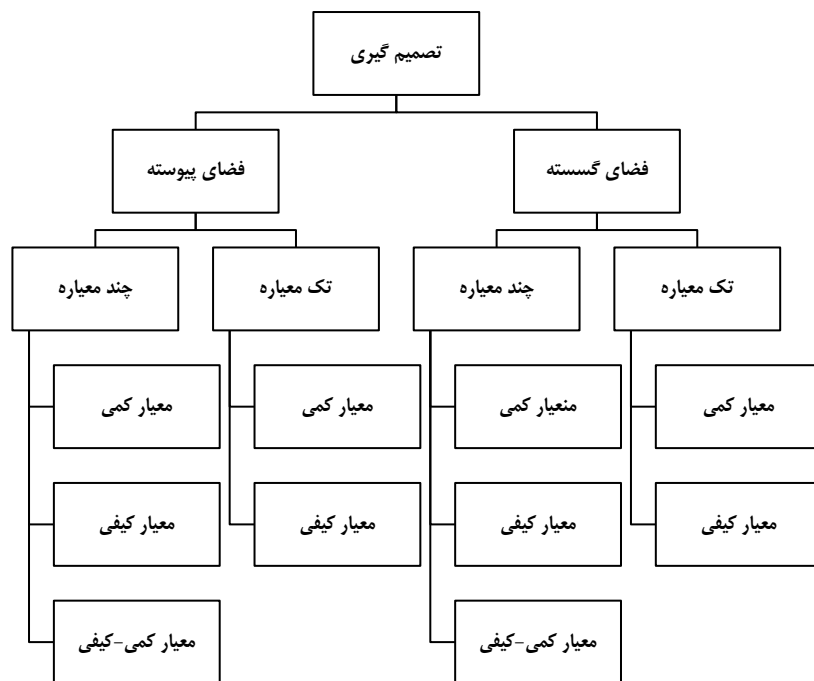
اصل ۴. انتظارات

ساعتی در کتاب تصمیم‌گیری برای مدیران ویژگی‌های یگانگی و یکتایی مدل، پیچیدگی، همبستگی و وابستگی متقابل، ساختار سلسله مراتبی، اندازه‌گیری، سازگاری، تلفیق، تعادل یا بده بستان، قضاوت و توافق گروهی و تکرار فرایند را برای فرایند تحلیل سلسله مراتبی برمی‌شمرد. (عباسی و مصطفوی، ۱۳۹۵)

فرایند تحلیل سلسله مراتبی را می‌توان در مراحل اصلی شامل تشکیل درخت سلسله مراتبی، مقایسه زوجی جایگزین‌ها و معیارهای تحقیق، عملیات محاسبه داده‌ها، تحلیل حساسیت و نرخ ناسازگاری ترسیم و اجرا نمود.

^۱Compensatory Methods

^۲Non Compensatory Methods

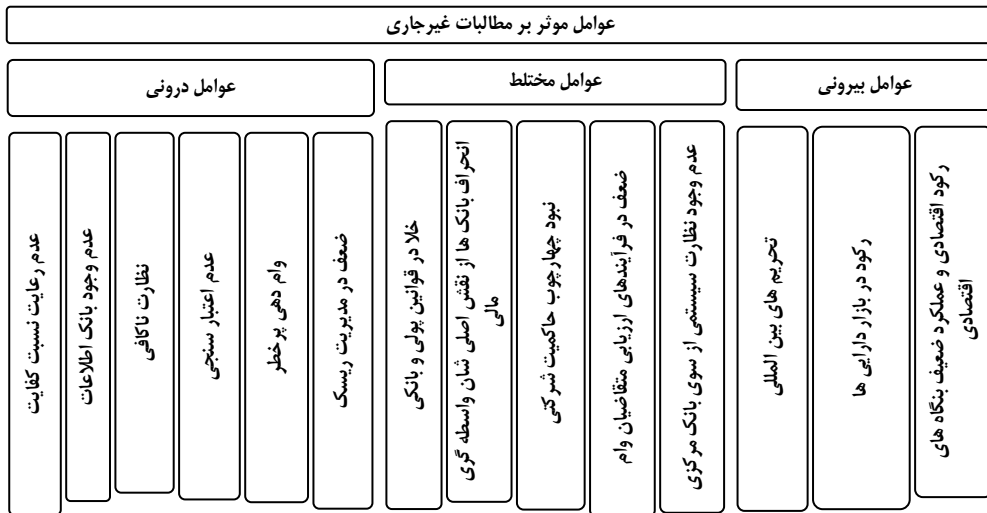


نمودار ۱- انواع حالت های تصمیم گیری

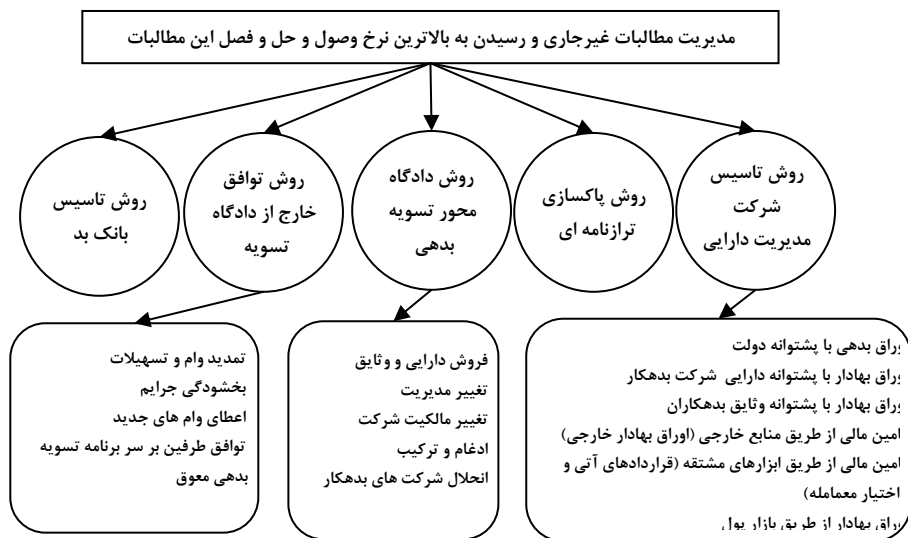
منبع: مجید صامتی و همکاران، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی (۱۳۸۲)

۴-۱ معرفی مدل

مرور مطالعات تجربی نشان می دهد که به طور کلی می توان سه دسته عوامل درونی و بیرونی و مختلط در کشورهای مختلف و از جمله ایران بر افزایش مطالبات غیرجاری موثر هستند. بنابراین مدل این پژوهش در بحث شناسایی این عوامل به شرح نمودار ۲ می باشد. پس از بررسی عوامل موثر بر افزایش مطالبات غیرجاری با استفاده از مدل نمودار ۳ و تحلیل سلسله مراتبی به بررسی و الویت بندی راهکار های حل و فصل این مطالبات پرداخته می شود.



نمودار ۲- درخت تحلیل سلسله مراتبی شناسایی عوامل موثر بر مطالبات غیرجاری در شبکه بانکی کشور
منبع: یافته های پژوهشگر



نمودار ۳- درخت تحلیل سلسله مراتبی حل و فصل مطالبات غیرجاری در شبکه بانکی کشور
منبع: یافته های پژوهشگر

تعیین امتیاز معیارها، زیر معیارها، گزینه‌ها و مقایسه دو دویی آن‌ها برای به دست آوردن ضریب تطابق است. طبق دستور ساعتی ضریب تطابق باید کمتر از ۰.۱ باشد. در این مرحله داده‌ها نتایج نظرات کاشناسان (۱۱۶ نفر) وارد نرم افزار اکسپرت چویس^۱ گردید و ابتدا معیارهای اصلی با یکدیگر مقایسه و اهمیت وزن و ضریب تطابق^۲ هر کدام از آن‌ها مشخص شد. با توجه به آنکه کاشناسان درباره زیر معیارها و معیارها نظرات متفاوتی داشتند از میانگین حسابی نظرات آن‌ها در امتیاز دهی استفاده شده است. در امتیاز دهی از متخصصان خواسته شده بود که بر مبنای جدول ۱ امتیاز دهی کنند.

جدول ۱- مقیاس های ۹ کمیتی برای مقایسه دو دویی معیارها

وضعیت مقایسه	ارزش	وضعیت مقایسه	ارزش
یکسان	۱	بیشتر تا خیلی بیشتر	۶
یکسان تا نسبتاً بیشتر	۲	خیلی بیشتر یا خیلی قوی	۷
نسبتاً بیشتر	۳	خیلی بیشتر تا خیلی، خیلی بیشتر	۸
نسبتاً بیشتر تا بیشتر	۴	خیلی، خیلی بیشتر یا کاملاً مرجح	۹

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۵ یافته‌های پژوهش

عوامل درونی همان عوامل و فاکتورهایی هستند که ریشه در خود نظام بانکی دارند و با توجه به عملکرد بانک‌ها در فرآیندهای اعطای وام و تسهیلات قابل بررسی و ارزیابی هستند. فاکتورهای بیرونی آنهایی هستند که خارج از اراده و عملکرد شبکه بانکی هستند و ریشه در اتفاقات، شوک‌ها و تغییرات محیط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی داخل و خارج از کشور دارند (امینی و همکاران، ۱۳۸۹، محمدی و همکاران، ۱۳۹۶). این عوامل به همراه رتبه و وزن آنها که از تجربه و تحلیل سلسه مراتبی و مقایسات زوجی نظرات خبرگان و کارشناسان به دست آمده است، در قالب جدول ۲ ارائه شده‌اند.

بر اساس نظرات کارشناسان و خبرگان بانکی، از میان عوامل مختلط خلا در قوانین موجود پولی و بانکی و از میان عوامل درونی عدم رعایت کفایت سرمایه و عدم وجود بانک اطلاعات مشتریان بیشترین درجه اهمیت را در ایجاد و گسترش مطالبات غیرجاری در سیستم بانکی ایران دارد. از عوامل و زیر فاکتورهای خارج از سیستم بانکی تحریم‌های بین‌المللی بیشترین تاثیر را از نظر کارشناسان در ایجاد و تعمیق مطالبات غیرجاری در میان عوامل بیرونی خارج از اراده سیستم بانکی دارد.

¹ Expert Choice

² CR

تجربه کشورهای مختلف نشان می دهد که به منظور حل و فصل مطالبات غیرجاری پنج راهکار مختلف وجود دارد که نتایج حاصل از امتیازدهی کارشناسان به این راهکارها در جدول ۳ ارائه شده است. (بک و همکاران^۱، ۲۰۱۵، بیتون و همکاران^۲، ۲۰۱۶، گاریدو^۳، ۲۰۱۶، واسیلیس^۴، ۲۰۱۷).

جدول ۲- رتبه بندی عوامل موثر بر افزایش مطالبات غیر جاری

عوامل درونی		عوامل مختلط	
۰.۳۳	عدم رعایت نسبت کفایت	۰.۴۶	خلا در قوانین پولی و بانکی
۰.۲۷	عدم وجود بانک اطلاعات	۰.۲۰	انحراف بانک ها از نقش اصلی شان واسطه گری مالی
۰.۱۴	نظارت ناکافی	۰.۱۷	نبود چهارچوب حاکمیت شرکتی
۰.۱۲	عدم اعتبار سنجی	۰.۰۹	ضعف در فرآیندهای ارزیابی متقاضیان وام
۰.۰۷	وام دهی پرخطر	۰.۰۷	عدم وجود نظارت سیستمی از سوی بانک مرکزی
۰.۰۵	ضعف در مدیریت ریسک		
نام عامل بیرونی			
۰.۶۵	تحریم های بین المللی	۰.۱۱	رکود اقتصادی و عملکرد ضعیف بنگاه های اقتصادی
۰.۲۴	رکود در بازار دارایی ها		

منبع: یافته های پژوهشگر

جدول ۳- راهکارهای حل و فصل مطالبات غیرجاری بر اساس تجربه کشورهای مختلف

رتبه	نام عامل	ردیف
۰.۴۲	تاسیس بانک بد برای خرید مطالبات غیرجاری	۱
۰.۲۴	پاکسازی ترازنامه ای	۲
۰.۱۸	راه اندازی واحد خارج از دادگاه تسویه مطالبات	۳
۰.۱	تسویه بدهی از طریق دادگاه و مراجع قضایی	۴
۰.۰۷	تاسیس شرکت مدیریت دارایی	۵

منبع: یافته های پژوهشگر

بر اساس نظر کارشناسان و خبرگان بانکی، به منظور حل و فصل مطالبات غیرجاری در میان پنج روش پیشنهادی، تاسیس بانک بد برای خرید مطالبات غیرجاری بانک ها با ۰.۴۲ بالاترین وزن را به خود اختصاص داده است. رویکرد پاکسازی ترازنامه ای و راه اندازی واحد تسویه خارج از دادگاه مطالبات با ۰.۲۴ و ۰.۱۸ در رتبه های دوم

1 - Beck, R. and Jakubik, P. and PiloIU, A.

2 -Beaton, K., et.al.

3 -Garrido, J.

4 -Vasilis, S.

و سوم قرار دارند. بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۳، رویکرد تاسیس شرکت مدیریت دارایی با ۰.۰۷ کمترین درجه اهمیت و امتیاز را در بین راهکارهای حل و فصل مطالبات غیرجاری به خود اختصاص داده است به بیانگر عدم شناخت کارشناسان از سازوکار این شرکت هاست.

۶ بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش ضمن مطالعه علل و عوامل موثر بر ایجاد و گسترش مطالبات غیرجاری در نظام بانکی ایران، تجارب کشورهای مختلف در زمینه حل و فصل مطالبات غیرجاری بررسی گردید. در این راستا مجموعه تمامی روش‌ها و راهکارهای حل و فصل مطالبات غیرجاری که قابلیت اجرایی در ایران دارد و با مجموعه قوانین و اسناد بالادستی نظام در تناقض نبودند به صورت پکیج و بسته حل و فصل مطالبات غیرجاری تدوین و ارائه شد و در این بخش بر اساس آنچه کشورهای دیگر تجربه کرده‌اند و بر اساس روش‌هایی که مورد بهره برداری قرار گرفته است و متناسب با ساختار و شرایط موجود در کشور و همچنین با استفاده از نتایج نظرسنجی صورت گرفته از کارشناسان و خبرگان، مدل نهایی حل و فصل مطالبات غیرجاری در ایران به صورت قدم به قدم و در چهارچوب یک ساختار الگوریتم محور ارائه خواهد شد.

قدم ۱- اراده حاکمیتی برای حل و فصل مطالبات غیرجاری

اولین مرحله برای حل و فصل مطالبات غیرجاری اراده و عزم جدی قوای حاکمیتی نظام برای این امر است. در این راستا اولین قدم تشکیل کارگروه تدوین قوانین مربوطه است. این کارگروه که همان کمیته تجدید ساختار بدهی است با محوریت بانک مرکزی و متشکل از نمایندگان هر سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه قوانین و دستورالعمل‌ها و لوایح مورد نیاز در خصوص حل و فصل مطالبات غیرجاری را تهیه، تدوین و برای تصویب تقدیم مجلس می نماید. قانون تاسیس شرکت مدیریت دارایی، دستورالعمل‌ها، وظایف و اختیارات این شرکت مهم‌ترین این اقدامات است.

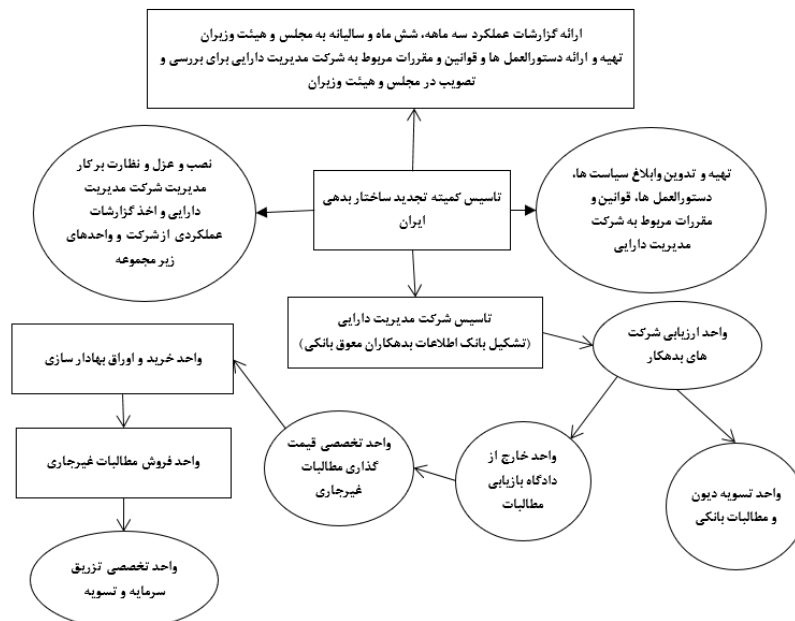
قدم ۲- تشکیل شرکت مدیریت دارایی

همانگونه که تجربه تقریباً تمامی کشورهای دنیا نشان می‌دهد برای آنکه بتوان مطالبات غیرجاری را مدیریت و حل و فصل نمود باید بر اساس مصوبات و دستورالعمل‌ها و قوانین مصوب، شرکت مدیریت دارایی با طول عمر معین، ساختار مالی و ساختار مالکیت مشخص تاسیس و راه اندازی شود. در کشورهای مختلف دنیا با توجه به شرایط هریک و وضعیت موجودشان، شرکت‌های مدیریت دارایی با ساختارهای مالکیت مختلف تاسیس شده‌اند. به طور کلی مالیکت شرکت‌های مدیریت دارایی در قالب یکی از حالت‌های صددرصد دولتی، نیمه دولتی- خصوصی، تحت تملک موسسات مالی بزرگ، ساختار خصوصی با اختیارات دولتی یا ترکیب خصوصی-دولتی با درصد مشخص تاسیس و راه اندازی شده‌اند. در خصوص شیوه‌های تامین مالی و نقدینگی مورد نیاز این شرکت‌ها نیز از روش‌ها و رویکردهای مختلفی بهره گرفته شده است که می‌تواند برای ایران نیز اجرا شود. مهم‌ترین روش‌های تامین مالی و نقدینگی این شرکت‌ها در بدو تاسیس، از طریق دولت، قرض‌گیری از بانک مرکزی، انتشار اوراق بهادار ضمانت شده توسط دولت، تاسیس چندین صندوق تامین سرمایه، بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری‌های خارجی و یا تاسیس شرکت‌های فرعی نظیر SPV هاست.

پس از تعیین ساختار مالکیت و ساختار مالی و نقدینگی مورد نیاز شرکت مدیریت دارایی در بدو تاسیس، فرآیندهای اجرایی تهیه و تدوین و فعالیت تخصصی شرکت شروع می شود. این مرحله شامل شرح ریز اقداماتی است که از بدو تاسیس شرکت مدیریت دارایی و ورود پرونده های مطالبات غیرجاری به این شرکت تا بررسی و تعیین تکلیف شان را شامل می شود.

قدم ۳- نظارت بر عملکرد شرکت مدیریت دارایی

برای اینکه بتوان فرآیندها و تصمیمات اتخاذ شده به نتیجه برسد و بتوان مطالبات غیرجاری را مدیریت و حل و فصل نمود، باید نظارت های مستمر بر عملکرد و میزان پیشرفت و کارهای صورت گرفته در این شرکت از سوی نهادهای حاکمیتی و نظارتی صورت گیرد. بر این اساس، در این مرحله گزارشات فصلی، شش ماهه و سالانه اقدامات صورت گرفته توسط شرکت مدیریت دارایی از طریق کمیته تجدید ساختار بدهی اخذ و مورد بررسی نهادهای ذیصلاح قرار خواهد گرفت. در واقع کمیته تجدید ساختار بدهی این اختیارات را به موجب قانون خواهد داشت که همانند تهیه و تدوین و ابلاغ دستورالعمل ها و رویه های شرکت مدیریت دارایی، از این شرکت گزارشات عملکرد سه ماهه، شش ماه و سالانه اخذ نماید و جهت بررسی و ارزیابی تقدیم مجلس شورای اسلامی و هیئت وزیران نماید. در نهایت مدل نهایی تحقیق به عنوان الگوی مطلوب حل و فصل و بازیابی مطالبات غیرجاری در نظام بانکی ایران بر اساس مطالعه تجربیات سایر کشورهای دنیا در قالب نمودار ۴ ارائه می شود.



نمودار ۴- الگوی مطلوب حل و فصل و بازیابی مطالبات غیرجاری در ایران

منبع: یافته های پژوهشگر

- در ادامه بر اساس نتایج حاصله از بررسی تطبیقی تجربیات کشورهای دیگر و نظرسنجی انجام شده از کارشناسان و خبرگان در این مطالعه پیشنهاد می‌شود:
- (۱) با عنایت به تجربه موفق اکثر کشورها در زمینه تاسیس شرکت مدیریت دارایی برای حل و فصل مطالبات معوق بانکی، دولت، مجلس و سایر نهادهای حاکمیتی نسبت به تشکیل کارگروه و کمیته تجدید ساختار بدهی برای تهیه دستورالعمل‌ها، رویه‌ها، اصلاح قوانین، تهیه قوانین جدید و نظارت بر تشکیل و تاسیس و عملکرد شرکت مدیریت دارایی اقدام لازم را صورت دهند.
 - (۲) شرکت مدیریت دارایی با یک ساختار خصوصی محور در قالب یک شرکت سهامی عام یا یک شرکت با پشتوانه دولت و یا اختیارات و وظایف دولتی تاسیس و کمیته تجدید ساختار بدهی ناظر بر عملکرد آن باشد.
 - (۳) شرکت مدیریت دارایی تحت نظارت و راهبری کمیته تجدید ساختار بدهی و در چهارچوب ترسیم شده در مدل نهایی این تحقیق و با پیاده سازی کارگروه‌ها و واحدهای تخصصی مذکور در مدل نهایی تحقیق راه اندازی و شروع به فعالیت نماید.

فهرست منابع

- اداره بررسی‌های اقتصادی. خلاصه تحولات اقتصادی کشور ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، اداره روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- احمدیان، اعظم، و داوودی، آزاده. (۱۳۹۱). اثر نظارت بانکی بر کاهش مطالبات معوق. حسابداری مدیریت، ۵(۱۲)، ۱۱۷-۱۲۷.
- اسماعیلی، بابک (۱۳۹۷). نقش وقوع سیکل‌های تجاری در مطالبات معوق بانک‌های کشور با استفاده از فیلترهای میان‌گذر. اقتصاد مالی، ۱۲(۴۴)، ۱۶۱-۱۸۸.
- اکرامی، محمود، و رهنمااسکی، آزاده. (۱۳۸۸). بررسی عوامل موثر در مطالبات سررسید گذشته و معوق بانک. پژوهشنامه اقتصادی، (۶ ویژه نامه بانک)، ۱۹۵-۲۱۶.
- امامی میبدی، علی (۱۳۷۹). "اصول اندازه‌گیری کارایی و بهره‌وری (علمی-تجربی)"، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی تهران
- امینی، علیرضا، حقیقت، علی، و همتی، فاطمه (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل مطالبات معوق شبکه بانکی استان قزوین (چالش‌ها و راهکارها)، مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، ۱۰ (۹ و ۱۰)، ۷۱-۸۶.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک اطلاعات سری‌های زمانی و نشریات ادواری.
- تاد ناپ (۱۳۹۰). "اقتصاد کلان مالی معاصر"، ترجمه سی‌منوچهر فکری ارشاد، انتشارات موسسه مطالعات و توسعه مدیریت و سرمایه‌گذاری پاسارگاد، تهران، (۲۰۰۸).

تقی نتاج، غلام حسن، و نجف پور کردی، حمید رضا. (۱۳۹۲). بررسی و تحلیل علل افزایش مطالبات معوق بانک نمونه و راه کارهای پیشگیری و کاهش آن، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، (۱۷)، ۱۶۰-۱۷۸.

حسن زاده، علی، و حبیبی، پیمان. (۱۳۸۹). کالبد شکافی مطالبات معوق و راه های پیشگیری آن در سیستم بانکی کشور. تازه های اقتصاد، (۱۳۰).

حکیمی پور، نادر (۱۳۹۷). ارزیابی چگونگی عوامل تاثیرگذار بانکی بر مطالبات غیرجاری بانک-های ایران (رویکرد مدل پانل پویا GMM). اقتصاد مالی، ۴۲(۱۲)، ۹۹-۱۲۰.

حیدری، هادی، زواریان، زهرا، و نوربخش، ایمان. (۱۳۹۰). بررسی اثر شاخص های کلان اقتصادی بر مطالبات معوق بانک ها، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، ۱۱(۱)، ۴۳-۶۵.

خیرخواه، محبوبه، برزگری خانقاه، جمال، و مروتی شریف آبادی، علی. (۱۳۹۵). مدل سازی عوامل موثر بر مطالبات معوق بانک ها با استفاده از رویکرد پویایی سیستم. پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، ۲۴(۷۹)، ۲۹-۵۴.

دایی کریم زاده، سعید، و گرجی زاده، عطیه. (۱۳۹۴). تاثیر گسترش سهم بانک های خصوصی در نظام بانکی بر مطالبات معوق سیستم بانکی در ایران. پژوهش های پولی بانکی، ۸(۲۶)، ۵۷۱-۵۹۳.

رستمیان، فروغ، و طبعی، داوود. (۱۳۸۹). بررسی عوامل موثر در ایجاد مطالبات معوق بانک های تجاری مناطق آزاد تجاری- صنعتی (مورد مطالعه شعب بانک ملت منطقه آزاد کیش). پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی (پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی)، ۲(۶)، ۱۷۳-۱۹۴.

ابراهیمی، سید احمد، عرفانی، علیرضا، و اسحاقی، مجید (۱۴۰۲). تلنگر و سیاست های مبتنی بر رفتار، ابزاری توانمند در کاهش مطالبات بانکی. سیاست های مالی و اقتصادی، ۱۱(۴۲)، ۹۱-۱۳۵.

سیدشکری، خشایار، و گروسی، سمیه. (۱۳۹۴). بررسی عوامل موثر بر افزایش مطالبه های غیر جاری در نظام بانکی کشور. اقتصاد مالی (اقتصاد مالی و توسعه)، ۹(۳۱)، ۹۵-۱۱۸.

شعبانی، احمد، و جلالی، عبدالحسین. (۱۳۹۰). دلایل گسترش مطالبات معوق در نظام بانکی ایران و بیان راهکارهایی برای اصلاح آن. برنامه ریزی و بودجه، (۴).

صامتی، مجید، صامتی، مرتضی، و اصغری، مریم. (۱۳۸۲). اولویت های توسعه بخش صنعت استان اصفهان براساس روش و فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP). پژوهشنامه بازرگانی، ۷(۲۷)، ۵۹-۹۰.

طاهری، سید شمیم (۱۳۹۵). تخفیف معضل مطالبات غیر جاری. معاونت پژوهشی موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.

عباسی، ابراهیم، و مصطفوی، سید ایمان. (۱۳۹۵). بررسی روش های تأمین مالی پروژه ها در بخش بالادستی صنعت نفت ایران. اقتصاد مالی، ۱۰(۳۵)، ۱۰۳-۱۳۰.

فاضلیان، سید محسن، پرویزیان، کوروش، و ذاکرنیا، اجسان (۱۳۹۳). شناسایی و اولویت بندی عوامل سیستماتیک و غیرسیستماتیک مؤثر بر افزایش مطالبات معوق در نظام بانکداری بدون ربای ایران مطالعه موردی: بانک سپه، جستارهای اقتصادی ایران، ۱۱(۲۲)، ۹-۴۴.

- کردبچه، حمید، و پردل نوش آبادی، لیلیا. (۱۳۹۰). تبیین عوامل مؤثر بر مطالبات معوق در صنعت بانکداری ایران. پژوهشهای اقتصادی ایران، ۱۶(۴۹)، ۱۱۷-۱۵۰.
- محرابی، لیلیا. (۱۳۹۳). "ارزیابی وضعیت مطالبات غیر جاری در نظام بانکی ایران و مقایسه آن با سایر کشورها: با مروری بر تجارب سایر کشورهای اسلامی"، انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی.
- محرابیان، آزاده، و سیفی پور، رویا. (۱۳۹۵). آسیب شناسی مطالبات جاری در نظام بانکی ایران. اقتصاد مالی، ۱۰(۳۶)، ۷۳-۸۵.
- محمدزاده، امیر، عطایی، محمد، و سلیمی، حسین. (۱۳۹۳). شناسایی و الویت بندی موانع وصول مطالبات معوق بانکی با استفاده از مدل ترکیبی دیمتیل شبکه ای و ویکور. مدیریت توسعه و تحول، ۶(۱۶)، ۱۵-۲۶.
- محمدی، تیمور، شاکری، عباس، اسکندری، فرزاد، و کریمی، داوود. (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر شکل گیری مطالبات غیرجاری در نظام بانکی کشور: مطالعه موردی. مجلس و راهبرد، ۲۴(۸۹)، ۲۶۹-۳۰۰.
- مداح، مجید، و پرنیان، ندا. (۱۳۹۹). نقش فساد اقتصادی در افزایش مطالبات معوق بانکی. مدل سازی اقتصادسنجی، ۵(۳)، ۱۲۱-۱۳۹.
- نظریان، رافیک، و صفرپور، سحر. (۱۳۹۰). ارزیابی تاثیر نرخ سود بانکی بر نوسانات مطالبات معوق شبکه بانکی کشور. اقتصاد مالی (اقتصاد مالی و توسعه)، ۵(۱۷)، ۴۳-۶۵.
- Accornero, M., Alessandri, P., Carpinelli, L., & Sorrentino, A. (2017). Non-Performing Loans and the Supply of Bank Credit: Evidence from Italy. Bank of Italy Occasional Paper, (374)
- Ahlem, S.M., & Fathi, J. (2013). Micro and Macro Determinants of Non-performing Loan. International Journal of Economics and Financial Issues. Econ journals, 3(4), 852-860.
- Beaton, K. (2016). Non-performing loans in the ECCU: determinants and Macroeconomic impact, IMF working paper, 16-229.
- Beck, R., Jakubik, P., & Piloju, A. (2015). Key Determinants of Non-performing Loans: New Evidence from a Global Sample, Open Economies Review, Springer. 26(3):525-550.
- Cerruti, C. (2018). Public Asset Management Companies, World Bank Group.
- Garrido, J. (2016). Insolvency and enforcement reforms in Italy, IMF working paper, 16-134.
- Inoguchi, M. (2012). Non-performing loans and public asset management companies in Malaysia and Thailand, Crawford School of Public Policy, Australian National University.
- Islam, M. SH., Chandra, S.H., & Abdul, M.D. (2005). Non-performing loans-it causes, consequences and some learning.
- Lee, J. M., Chen, K. H., Chang, I. C., & Chen, C. C. (2020), Determinants of Non-Performing Loans. Firm's Corporate Governance and Macroeconomic Factors. International Journal of Finance & Economics, 1- 11
- Nighat, B.J. (2015). Research Notes Non-Performing Loans: Determinants and Impact on Banking Industry, Pakistan Journal of Applied Economics, Applied Economics Research Centre, 25(1):99-111.
- Olayinka, A., and Mofoluwaso, E. (2014). Determinants of Non-Performing Loans in Nigeria, Accounting & Taxation. The Institute for Business and Finance Research, 6(2): 21-28.
- Olivares, R., & Miglionico, A. (2017). Non-performing Loans: Challenges and Options for Banks and Corporations. Palgrave Macmillan Studies in Banking and Financial Institutions book series (SBFI), 17-45.
- Ozili, P. K. (2019). Non-Performing Loans and Financial Development: New Evidence. The Journal of Risk Finance, 20(1): 59-81.

- Prashanth, K.R. (2002). A comparative study of non-performing assets in India in the Global context-similarities and dissimilarities. Indian Institute of Management Ahmedabad.
- Rauehenwald, M. (2015). Asset Management Companies observed best practice. OLIVER WYMAN publisher.
- Ricardo, B., & Maximo, S. (2007). Determinants of the Non-Performing Loans Portfolio in Argentine Banks. BCRA Working Paper Series. Central Bank of Argentina, Economic Research Department.
- Saba, I., Kouser, R., & Azeem, M. (2012). Determinants of Non-Performing Loans: Case of US Banking Sector. Romanian Economic Journal. Department of International Business and Economics from the Academy of Economic Studies Bucharest, 15(44):125-136.
- Stiglitz, J. E. (1998). Incentives and Risk Sharing in Sharecropping. Review of Economic Studies, 41(2), 55-219.
- Son, T. H., Liem, N. T., & Khuong, N. V. (2020). Corruption, nonperforming loans. and economic growth: International evidence. Cogent Business & Management, 7(1): 1735691.
- Tanaskovic, S., & Jandric, M. (2015). Macroeconomic and Institutional Determinants of Non-performing Loans. Journal of Central Banking Theory and Practice. Central bank of Montenegro, 4(1):47-62.
- Umar, M., and Sun, G. (2016). Non-performing loans (NPLs), liquidity creation, and moral hazard: Case of Chinese banks. China Finance and Economic Review, 4:10.
- Vasilis, S. (2017). Fiscal policy effects on non-performing loan formation. Working Papers 224, Bank of Greece.
- Vithessonthi, Ch. (2016). Deflation, bank credit growth, and non-performing loans: Evidence from Japan. International Review of Financial Analysis. Elsevier, 45(C): 295-305.

Pattern of resolving non-performing demands of the Iranian banking system using the experience of other countries

Hadi Rahmani Fazi¹

Receive: 02/July/2024

Acceptance: 09/ September/2024

Abstract

This study, on the one hand, seeks to identify the factors and factors contributing to the creation and spread of deferred claims in the Iranian banking system, and on the other hand, to provide solutions and methods based on the experience of other countries to resolve these claims. In this regard, the proposed model derives from comparing the experience of other countries in the framework of multi-criteria decision making. The results of evaluation of the proposed model based on the experience of other countries and using hierarchical analysis approach show that in general three external, internal and complex factors are effective in creating and expanding non-performing demands in the Iranian banking system. Among these factors, the poor quality of banking assets, the loophole in monetary and banking law, and international sanctions are most influenced by the opinion polls. Based on the results of this study, setting up an asset management company, setting up out-of-court settlement settlements in banks, settling claims through judicial authorities, establishing a bad bank to buy non-bank claims, and clearing out the most important balance sheet solutions and solutions. The chapter on non-performing claims is in the Iranian banking system.

Keywords: frozen assets, asset management company, clearing balance sheet, bad bank, out-of-court restructuring

JEL Classification: G21 .G29 .G34

¹Department of Political Economy and Public Policy, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran, (author and responsible). hadirahmani@atu.ac.ir